

مقایسه مبانی معرفتی بوردیو و صدرالمتألهین

نازیلا اخلاقی^۱

۱- گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران.

نویسنده مسئول: nazilaakhlaghi63@gmail.com

چکیده:

در میان چهره‌های دانشگاهی فرانسه، پیر بوردیو نفوذ قابل توجهی در حوزه علوم اجتماعی داشته است و نظریه وی به طور گسترده در محافل دانشگاهی تأثیرگذار بوده است. به طور کلی هر نظریه علمی متأثر از مبانی و اصول موضوعه‌ای است که در شکل‌گیری یک نظریه اثر به جای می‌گذارد. نظریات بوردیو نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این نوشتار به مبانی معرفتی پیر بوردیو پرداخته شده است و پس از بررسی اجمالی مفاهیم، آراء و نظریات وی، به زمینه‌های معرفتی که در شکل‌گیری این نظریات تأثیرگذار بوده‌اند مراجعه شده است. در بخش بعد مبانی معرفتی صدرالمتألهین مورد بررسی قرار گرفته است و عقبه معرفتی همچون مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و عوامل مؤثر بر آراء وی بیان شده‌اند. در پایان مقایسه‌ای اجمالی از مبانی و اصول موضوعه مؤثر بر نظریات هر دو متفکر صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: پیر بوردیو، صدرالمتألهین، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، انسان‌شناسی

مقدمه

در فرآیند شکل‌گیری یک نظریه عوامل وجودی و غیر وجودی تأثیرگذار خواهند بود. مقصود از عوامل وجودی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی است که به عنوان پیش‌فرض‌های متافیزیکی یک نظریه در تکوین آن نقش دارند و مقصود از عوامل غیر وجودی شرایط اجتماعی و تاریخی و نیز شخصیتی است که در خصوص دو متفکر قابل ردیابی می‌باشد.

این نوشتار در دو بخش به بررسی آراء و نظریات بوردیو و مبانی معرفتی وی و نیز بررسی مبانی معرفتی ملاصدرا پرداخته است و در نهایت مقایسه‌ای اجمالی از مبانی معرفتی این دو متفکر ارائه می‌دهد. بخش اول شامل نه عنوان می‌شود در ابتدا زندگی‌نامه پیر بوردیو ارائه می‌شود، سپس شخصیت‌های تأثیرگذار بر اندیشه وی معرفی می‌گردند و در ادامه به جامعه‌شناسی در نظر بوردیو و نیز مفاهیم وی پرداخته شده است، عناوین بعدی به هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی بوردیو اختصاص یافته است و نهایتاً برخی از انتقادات وارده بر نظریه وی بیان شده است. بخش دوم به مبانی معرفتی صدرالمتألهین اختصاص دارد و پنج عنوان، مبانی معرفتی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، و معرفت‌شناسی و در آخر ارتباط انسان و جامعه مطرح شده است.

نظریه‌ها و دانش اجتماعی با مبانی متعددی در ارتباط هستند، به عبارت دیگر هر نظریه علمی با اصول و مبانی آغاز می‌گردد. «ارتباط نظریه علمی با مبادی و اصول موضوعه آن روش‌شناسی بنیادین علم را پدید می‌آورد.» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۱). در روش‌شناسی بنیادین می‌توان از اصل موضوعه و مبانی که بر شکل‌گیری یک نظریه اثرگذار بوده‌اند سخن